

به نام یزدان پاک

همه سوال های

دکترای تخصصی (Ph.D)

تاریخ ایران باستان

۱۴۰۴-۱۴۰۵

گردآورندگان

گروه مولفین پردازش

فهرست مطالب

پیش گفتار.....	۷
آزمون دکترای تاریخ ایران باستان ۱۴۰۴	
تاریخ ایران از آغاز تا هخامنشی.....	۹
پاسخ نامه تاریخ ایران از آغاز تا هخامنشی.....	۱۱
تاریخ ایران از هخامنشیان تا پایان ساسانی.....	۳۶
پاسخ نامه تاریخ ایران از هخامنشیان تا پایان ساسانی.....	۳۸
منبع شناسی و روش تحقیق در تاریخ ایران باستان.....	۶۲
پاسخ نامه منبع شناسی و روش تحقیق در تاریخ ایران باستان.....	۶۴
آزمون دکترای تاریخ ایران باستان ۱۴۰۵	
تاریخ ایران از آغاز تا هخامنشی.....	۸۰
پاسخ نامه تاریخ ایران از آغاز تا هخامنشی.....	۸۲
تاریخ ایران از هخامنشیان تا پایان ساسانی.....	۱۰۵
پاسخ نامه تاریخ ایران از هخامنشیان تا پایان ساسانی.....	۱۰۷
منبع شناسی و روش تحقیق در تاریخ ایران باستان.....	۱۳۳
پاسخ نامه منبع شناسی و روش تحقیق در تاریخ ایران باستان.....	۱۳۵
درس نامه جامع تحلیلی و تفصیلی.....	۱۵۵
راهنمای جامع اساطیر، ایزدان، مناصب و مقامات، چهره های تاریخی.....	۱۹۵
واژگان و اصطلاحات موضوعی.....	۲۰۹
فهرست نمایه.....	۲۱۹
منابع.....	۲۲۷

فصل تحلیل آماری و روندشناسی موضوعی سوالات آزمون دکتری تاریخ ایران قبل از اسلام (۱۴۰۰ تا ۱۴۰۵)

جدول توزیع فراوانی موضوعی سوالات تخصصی (۱۴۰۰ تا ۱۴۰۵)

ردیف	سرفصل و مبحث کلیدی	۱۴۰۰ PDF	۱۴۰۱ PDF	۱۴۰۲ PDF	۱۴۰۳ PDF	۱۴۰۴ PDF	۱۴۰۵ PDF	مجموع فراوانی	سهم تقریبی
۱	ایلام باستان و اقوام پیرامونی (تمدن ایلام، کاسی، گوتی، لولوبی، اورارتو)	۱۹	۲۳	۱۹	۱۸	۱۸	۱۹	۱۱۶	۲٪/۲۴
۲	ایران از آغاز تا ماد (اساطیر کهن، اوستا، باستان‌شناسی فلات، تاریخ ماد)	۱۵	۱۲	۱۵	۱۲	۱۲	۱۱	۷۷	۱٪/۱۶
۳	شاهنشاهی هخامنشی (سیاست داخلی، فتوحات، کتیبه‌شناسی، تشکیلات دیوانی)	۱۰	۹	۸	۱۰	۱۰	۱۰	۵۷	۹٪/۱۱
۴	دوره سلوکی و دولت‌های یونانی-مآب (هلنیسم، پولیس‌ها، پادشاهی باختر، کماژن)	۵	۴	۴	۴	۳	۳	۲۳	۸٪/۴
۵	شاهنشاهی اشکانی (مناسبات با روم، سکه‌شناسی، ساختار فئودالی، تاریخ ایالات)	۷	۱۰	۷	۸	۹	۷	۴۸	۰٪/۱۰
۶	شاهنشاهی ساسانی (دولت، مذهب زرتشتی، جنگ‌ها، جامعه، القاب و تشکیلات)	۱۳	۱۳	۹	۱۲	۱۱	۱۲	۷۰	۶٪/۱۴

ردیف	سرفصل و مبحث کلیدی	۱۴۰۰ PDF	۱۴۰۱ PDF	۱۴۰۲ PDF	۱۴۰۳ PDF	۱۴۰۴ PDF	۱۴۰۵ PDF	مجموع فراوانی	سهم تقریبی
۷	منبع‌شناسی تاریخ ایران باستان (متون کلاسیک، یونانی/رومی، ارمنی، پهلوی، الواح)	۱۱	۹	۸	۱۱	۱۰	۱۰	۵۹	۳٪/۱۲
۸	روش تحقیق و مباحث نظری تاریخ (فلسفه تاریخ، هرمنوتیک، روش‌شناسی، مکاتب)	۱۰	۱۰	۱۰	۵	۷	۸	۵۰	۴٪/۱۰
کل	مجموع سوالات تخصصی هر سال	۹۰	۹۰	۸۰	۸۰	۸۰	۸۰	۵۰۰	۱۰۰٪

تحلیل استراتژیک روندهای آزمون (Roadmap Insights)

- **تمرکز مطلق بر ایلام، زاگرس و ملل پیرامونی (سهم ۲۴٪):** پاشنه آشیل داوطلبان و اصلی‌ترین منبع تفکیک تراز است. تاکید بر پادشاهان عیلام میانه (دودمان‌های ایک‌هلکی و شوتروکی)، نام خدایان و کارکرد معابد (اینشوشینک، کیریریشا، سیموت، گوشون) و تعاملات نظامی آشوریان با ولایات زاگرس (زاموا، نمری، خارخار) هر ساله تکرار ثابت دارد.
- **دو قطبی ساسانی - منبع‌شناسی (سهم ۲۷٪):** سوالات دوره ساسانی بیش از وقایع‌نگاری، بر نهادهای اداری/درباری، القاب، کتیبه‌های صخره‌ای (نظیر شاپور، کردیر، اپسا) و ادبیات مانوی/مزدکی متمرکز است. در منبع‌شناسی، تسلط بر تفاوت‌های وقایع‌نگاران کلاسیک (توسیدید، هرودوت، کسنفن، کتسیاس، آپلودروس آرتمیتیایی) و مورخان ارمنی (سئوس، آگاتانجلوس، الیزه) حیاتی است.
- **ماهیت نمره‌ساز روش تحقیق و فلسفه تاریخ (۱۰٪ تضمینی):** پرسش‌های این بخش عموماً بر مکاتب روش‌شناسی، تفکیک تبیین و تفهم، دیدگاه‌های ماکس وبر، کانت، هگل، توسیدید، مکتب آنال و اصطلاحات پایه پژوهش (پیشینه، مفروض، فرضیه) می‌چرخد که با تسلط بر متون پایه‌ای مثل زرین کوب و فرندز، کسب درصد کامل در آن کاملاً امکان‌پذیر است.

مقدمه تحلیلی بر روندشناسی آزمون‌های دکتری و تحصیلات تکمیلی تاریخ ایران باستان (۱۴۰۰ تا ۱۴۰۵)

مطالعه برای آزمون‌های تحصیلات تکمیلی در رشته تاریخ ایران باستان، نیازمند گذار از رویکرد «مطالعه خطی و حفظی» به رویکرد «مطالعه استراتژیک و تحلیلی» است. بررسی دقیق و موشکافانه دفترچه‌های سؤالات در بازه زمانی شش‌ساله (۱۴۰۰ تا ۱۴۰۵) نشان می‌دهد که هیئت طراحان سؤال از یک الگوی هدفمند و در حال تکامل پیروی می‌کنند. این مقدمه تحلیلی با هدف رمزگشایی از این الگوها تدوین شده است تا به عنوان یک قطب‌نما، مسیر مطالعاتی داوطلبان را بهینه‌سازی کند.

۱. هسته‌های سخت و پرتکرار آزمون (مباحث لنگرگاه)

تحلیل داده‌های شش سال اخیر نشان می‌دهد که برخی سرفصل‌ها، فارغ از تغییرات مقطعی، همواره شاکله اصلی آزمون را تشکیل داده‌اند:

- **تاریخ ساسانیان و هخامنشیان:** این دو امپراتوری بزرگ، همواره بیش از ۳۵ درصد کل سؤالات را به خود اختصاص داده‌اند. تمرکز طراحان در این بخش‌ها، دیگر بر روی توالی پادشاهان یا تاریخ وقوع جنگ‌ها نیست؛ بلکه تمرکز اصلی بر **نظام دیوان‌سالاری، ساختار طبقاتی، کتیبه‌شناسی، و اقتصاد سیاسی** (مانند نظام مالیاتی و کارگری در تخت جمشید یا اصلاحات قباد و انوشیروان) است.
- **تاریخ ایلام و تمدن‌های پیشاتاریخی:** این مبحث با وجود حجم کمتر منابع نسبت به دوران هخامنشی، همواره سهم ثابت و بالایی (حدود ۱۳ درصد) داشته است. تسلط بر سلسله‌های ایلامی (به‌ویژه سوکل‌مخ‌ها و شوتروکی‌ها)، کشفیات باستان‌شناختی (مانند شوش و چغازنبیل) و پانتئون (مجمع‌الخدایان) ایلامی برای موفقیت در آزمون حیاتی است.

۲. چرخش پارادایمی طراحان؛ از رویدادنگاری به روش‌شناسی

بارزترین تغییر استراتژیک در آزمون‌های سال‌های اخیر، شیفت معنادار سؤالات به سمت «**منبع‌شناسی و روش تحقیق**» است. طراحان سؤال به دنبال سنجش توانایی داوطلب در قامت یک پژوهشگر تاریخ هستند، نه صرفاً یک راوی.

- **اهمیت یافتن متون و مکاتب:** سؤالات از قالب «چه کسی فلان کار را کرد؟» به «کدام مورخ، فلان رویداد را چگونه تحلیل کرده است؟» تغییر ماهیت داده‌اند. آشنایی با مکاتب تاریخ‌نگاری مدرن (نظیر مکتب آنال، تاریخ‌نگاری مارکسیستی، و پوزیتیویسم) و همچنین شناخت دقیق منابع کلاسیک (متون یونانی، رومی، ارمنی، سریانی و متون پهلوی) اکنون یک ضرورت است، نه یک مزیت.
- **مفاهیم فلسفه تاریخ:** در بخش روش تحقیق، مفاهیمی چون «علیت در تاریخ»، «تاریخ‌گرایی (هیستوریسیسم)»، «هرمنوتیک» و «عنیت» پای ثابت سؤالات تحلیلی شده‌اند.

۳. رکوردداران طرح سؤال؛ ایران‌شناسان و مورخان

یکی از مهم‌ترین کلیدهای موفقیت در این آزمون، شناخت شخصیت‌ها و پژوهشگرانی است که آرای آن‌ها بیشترین بسامد را در صورت سؤالات داشته‌اند. طراحان علاقه وافری به طرح سؤال از دیدگاه‌های اختصاصی این افراد دارند:

- **ایگور دیاکونوف (I. M. Diakonoff):** بدون شک، پادشاه سؤالات بخش تاریخ ماد و اورارتو است. تسلط بر دیدگاه‌های مارکسیستی و زبان‌شناختی او در کتاب «تاریخ ماد» و تحلیل‌هایش از متون آشوری، برای پاسخگویی به سؤالات این بخش الزامی است.

- **یوزف ولسکی (Józef Wolski):** نام او با تاریخ اشکانیان گره خورده است. طراحان سؤال، تاریخ پارت‌ها را غالباً از دریچه نگاه تحلیلی ولسکی (به‌ویژه در نقد منابع یونانی‌محور و اثبات عاملیت مستقل اشکانیان) مورد پرسش قرار می‌دهند.
- **کلاوس شیپمان (Klaus Schippmann):** در کنار ولسکی، آرای شیپمان در خصوص نهادها، دین و جغرافیای تاریخی دوره اشکانی بسامد بسیار بالایی دارد.
- **والتر هینتس (Walther Hinz):** مرجع بلامنازع سؤالات تاریخ و تمدن ایلام است. دیدگاه‌های او درباره خط، دین و ساختار قدرت در ایلام باستان به کرات مورد پرسش قرار می‌گیرد.
- **یوزف ویسهوفر/ویزهوفر (Josef Wiesehöfer):** آرای او در بررسی ساختارهای اجتماعی، شورش‌ها و دیوان‌سالاری (به‌ویژه در دوران هخامنشی و ساسانی) از محبوب‌ترین منابع برای طراحان مدرن است.
- **آرتور کریستنسن و مری بویس:** کریستنسن مرجع ثابت سؤالات تشکیلات اداری و طبقاتی ساسانیان است و مری بویس (در کنار گئو ویدنگرن) رکورددار سؤالات مرتبط با تاریخ کیش زرتشت و آیین مانوی محسوب می‌شوند.
- **مورخان کلاسیک:** در بخش منابع دست‌اول، نقل‌قول‌ها و گزارش‌های **هرودت**، **استرابن** (در جغرافیای تاریخی)، **آمیانوس مارکلینوس** و **پروکوپیوس** (در جنگ‌های ایران و روم) و **سبئوس** (برای اواخر دوره ساسانی) بالاترین تکرار را در میان گزینه‌ها و صورت سؤالات داشته‌اند.

سخن پایانی

داوطلب هوشمند با درک این روندها درمی‌یابد که برای کسب رتبه برتر، خواندن طولی‌وار وقایع تاریخی کافی نیست. شما باید بدانید که هر رویداد از منظر کدام مورخ باستانی روایت شده و توسط کدام ایران‌شناس معاصر مورد نقد و تحلیل قرار گرفته است. این کتاب و پاسخ‌نامه‌های تشریحی آن، دقیقاً بر مبنای همین نیاز استراتژیک تدوین شده‌اند تا شما را به لنز تحلیلی طراحان سؤال مجهز کنند.

به نام آفریدگار خرد و اندیشه

گذار از دوره کارشناسی ارشد به مقطع دکتری تخصصی (Ph.D) تاریخ ایران باستان، پیش و بیش از آنکه نیازمند انباشت بیشتر داده‌های تقویمی و رویدادنگارانه باشد، مستلزم دگرگونی در «نحوه نگریستن به گذشته» و بازتعریف ذهنیت پژوهشگر است. تحلیل گفتمان حاکم بر پرسش‌های آزمون دکتری نشان می‌دهد که هیئت طراحان، گزینش داوطلبان را بر پایه میزان تسلط آنان بر سنت‌های تاریخ‌نگاری، مهارت در فقه‌اللغه و کتیبه‌شناسی، درک جغرافیای تاریخی انتقادی و شناخت ساختارهای دیوانی و طبقاتی بنیان نهاده‌اند. بر این مبنا، اثر حاضر فراتر از یک مجموعه پرسش و پاسخ آزمونی، به مثابه یک «درس‌نامه و نقشه راه معرفت‌شناختی» طراحی و تنظیم گردیده تا خلاء میان متون درسی کلاسیک و استانداردهای پژوهشی نوپدید را پوشش دهد.

معماری علمی و روش‌شناسی تدوین مجموعه

شاکله این کتاب بر پایه هم‌نشینی سه سرفصل بنیادین تاریخ ایران قبل از اسلام سازمان یافته است؛ حوزه‌هایی که در پیوندی اندام‌وار، زنجیره هویت تاریخی فلات ایران را تشکیل می‌دهند:

۱. از سپیده‌دم مدنیت تا افق هخامنشی: این بخش به بازخوانی لایه‌های تمدنی ایلام، تبارشناسی اقوام حاشیه‌ای زاگرس (چون گوتی‌ها، لولوبی‌ها و کاسیان) در آیین منابع میان‌رودان، ساختار قبیله‌ای و دیوانی ماد و کیهان‌شناسی و اسطوره‌پژوهی متون اوستایی و پهلوی اختصاص دارد.

۲. از امپراتوری‌های متمرکز هخامنشی و اشکانی تا فرجام ساسانی: در این بخش، کانون تحلیل بر بازتوزیع اقتصادی و اسناد بارو و خزانه، ماهیت ملی‌گرایانه حاکمیت پارت‌ها در نقد منابع هلنیستی، سازمان پیچیده دربار و القاب ساسانی، مناسبات بین‌المللی با غرب (روم و بیزانس) و جامعه‌شناسی ادیان چندگانه (مزدیسنا، مانویت، آیین مزدک و کلیسای شرق) استوار است.

۳. روش‌شناسی، منبع‌شناسی و فلسفه تاریخ: این قلمرو، توانایی داوطلب را در نقد بیرونی و درونی منابع کلاسیک غربی، تواریخ ارمنی، سریانی، اسناد چینی و متون اداری باستانی، اصول اپیگرافی (کتیبه‌ها و هزوارش‌ها) و کاربرست مفاهیم فلسفه علم (نظیر جامعه‌شناسی تفهیمی، قوانین عام و قواعد استدلال تاریخی) می‌سنجد.

ویژگی‌های پنج‌گانه و کاربردی اثر

برای ارتقای کارآمدی کتاب و تسهیل فرآیند مرور و تسلط داوطلبان، اجزای متمایزی در این مجموعه تعبیه گردیده است:

درس‌نامه تبیینی بر پایه تحلیل روند ۶ سال آزمون‌های دکتری: پیش از ورود به پرسش‌های تفکیکی، یک سنتز آموزشی از نقاط تمرکز، مباحث لنگرگاه و الگوهای مکرر طراحان سؤال ارائه شده است تا مطالعه کتاب روندی هدفمند به خود بگیرد.

- پاسخ‌های تحلیلی و تبارشناسانه: به جای پاسخ‌گویی تلگرافی، هر پاسخ‌نامه بستری برای تدوین یک مقاله کوتاه پژوهشی است که در آن، نظریات مرجع‌ترین صاحب‌نظران جهان (همچون والتر هینتس، ایگور دیاکونف، یوزف ولسکی، کلاوس شیپمان، یوزف ویسهوفر و پیگولوسکیا) استخراج شده و به علل نادرستی سایر گزینه‌ها به منظور ممانعت از خطاهای زمان‌پرشانه (Anachronism) پرداخته شده است.

- فهرست تفصیلی شخصیت‌ها، خدایان و اساطیر: با تفکیک کامل چهره‌های حماسی، دینی، پادشاهان و فرماندهان در متون پهلوی، اوستا، شاهنامه و تواریخ بین‌النهرینی و کلاسیک، مرجعی در دسترس برای بازخوانی سریع نام‌ها ایجاد شده است.

- فرهنگ واژگان و اصطلاحات تخصصی دیوانی و اللغوی: مفاهیم کلیدی اداری، نظامی، دینی و پژوهشی (نظیر کورتش، بندکه، بیدخش، آکرا، آثاناتوی، هزوارش‌ها و استصحاب) همراه با ریشه‌شناسی دقیق در بخشی ویژه تعریف شده‌اند تا سردرگمی مخاطبان در مفاهیم نامأنوس رفع گردد.

- **نمایه موضوعی و تحلیلی جامع (Index):** پایان‌بخش کتاب، نمایه‌ای پردامنه و دقیق با ارجاع به شماره صفحات و پرسش‌ها است که بازیابی پیوندهای مفهومی میان سال‌های متمادی را در کسری از ثانیه ممکن می‌سازد.

مجموعه پیش‌رو می‌کوشد داوطلب را از موقعیت یک «پاسخ‌دهنده صرف» به جایگاه یک «محقق تحلیل‌گر» ارتقا دهد. امید است این کتاب چراغی روشن‌گر در مسیر غنای دانش تاریخی و دستیابی به کرسی‌های تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های معتبر کشور باشد.

گروه مولفین پردازش

آزمون دکترای تاریخ ایران قبل از اسلام ۱۴۰۴

تاریخ ایران از آغاز تا هخامنشی



۱. بر اساس شاهنامه فردوسی، ارجاسب خیونی، خواهران اسفندیار را در کجا زندانی کرد؟
(۱) ور جمکرد (۲) رویین دژ (۳) سیاوش گرد (۴) کنگ دژ
۲. بر پایه ادبیات پهلوی، نابودی ضحاک در هزاره‌های پایانی جهان پس از بند گسستن او، به دست چه کسی خواهد بود؟
(۱) سپیتور (۲) فریدون (۳) کاوه (۴) گرشاسپ
۳. نام کدام شخصیت کهن ایرانی، «کسی که خانه‌های خوب فراهم می‌سازد / می‌بخشد» معنی می‌دهد؟
(۱) تهمورث (۲) سیامک (۳) فرواغ (۴) هوشنگ
۴. در میان شش گاهنبار، کدام یک «جشن آفرینش مردم» است؟
(۱) ایاسریم (۲) مدیوشم (۳) مدیاریم (۴) همسپمدیم
۵. معنای نام کدام امشاسپند «اقتدار معنوی» است؟
(۱) اشم‌وهیشته (۲) خستره (۳) سپندارمذ (۴) وهومنه
۶. پس از آنکتیل دوپرون، کدام پژوهشگر، دومین ترجمه و تفسیر اوستا مشتمل بر ۷۲ هات یسنا را در ۱۸۳۳ م منتشر کرد؟
(۱) اشپیگل (۲) بورنوف (۳) دارمستتر (۴) یوستی
۷. زردشت در «یسنا»، خویش را وکلام خود را خوانده است.
(۱) مانثرن - مانثره (۲) مانثرن - گائا (۳) هیچدسب - مانثره (۴) هیچدسب - گائا
۸. کدام پژوهشگر معاصر عقیده داشت که زادگاه زردشت جایی در امتداد جنوبی سلسله کوه‌های هندوکش تا ناحیه هامون هیرمند بوده است؟
(۱) بیلی (۲) بویس (۳) نیولی (۴) پورداود
۹. در یسن ۹، کدام شخصیت با عنوان «نامور در ایرانویج» مورد خطاب قرار گرفته است؟
(۱) زردشت (۲) جم (۳) فریدون (۴) هوشنگ
۱۰. در روایات ایرانی، این نظر که «جریان تاریخ پایان‌پذیر است»، از کدام عقیده دینی سرچشمه می‌گیرد؟
(۱) زردشتی (۲) زروانی (۳) مهری (۴) مانوی
۱۱. خطابه‌های ناحوم نبی به کدام رویداد اختصاص دارد؟
(۱) جنگ آشور و یهود (۲) جنگ بابل و اورارتو (۳) آخرین جنگ آشور و بابلیان (۴) نخستین جنگ بابل و یهود
۱۲. کوتی‌ها / کوتی‌ها، نخستین بار در پایان سده ۲۳ ق. م، در زمان کدام پادشاه اکدی وارد عرصه تاریخ شدند؟
(۱) ریموش (۲) منیشتوسو (۳) سارگن (۴) نرام‌سین
۱۳. پادشاهی کاسی بابل، توسط کدام دودمان شاهی ایلامی / عیلامی برافتاد؟
(۱) ایگ هلکی (۲) اپرتی (۳) ایلامی نو (۴) شوتروکی
۱۴. بر پایه مطالعات گرشویچ، کدام مورد درباره «کورتش» درست است؟
(۱) واژه‌ای ایلامی / عیلامی - معادل grda (۲) واژه‌ای ایرانی - معادل grda (۳) واژه‌ای ایلامی / عیلامی - معادل bandaka (۴) واژه‌ای ایرانی - معادل bandaka



۱۵. در اوایل هزارهٔ یکم ق.م، کدام ولایت نواحی درهٔ دیاله تا حدود شهرزور را شامل می‌شد و بقایای طوایف کاسی، گونی و لولوبی در آنجا زندگی می‌کردند؟
(۱) الیبی (۲) خارخار (۳) نمری (۴) مانای
۱۶. در عقاید دینی رایج در ایلام /عیلام، عنوان «گوشون» به کدام موضوع اشاره داشت؟
(۱) آیین بذرافشانی مزارع (۲) جشن روز قربانی جاری (۳) مراسم دینی پرستش خدایان (۴) تقدیس باغ‌های مقدس
۱۷. برای ایلامیان /عیلامیان، مهم‌ترین صفت «خدای ماه» چه بود؟
(۱) خالق روز (۲) خالق خورشید (۳) پدر یتیمان (۴) پدر ضعیفان
۱۸. از جمله اهداف سومری‌ها در حملات متعدد به ایلام /عیلام، دستیابی به چه منابعی بود؟
(۱) قیر - قاطر (۲) قیر - اسب (۳) نقره - قاطر (۴) نقره - اسب
۱۹. خط ترسیمی یا مخطط با مرگ کدام شاه ایلامی /عیلامی، در حدود ۲۲۲۰ ق.م از بین رفت؟
(۱) کوتیک - اینشوشینک (۲) لوه - ایشن (۳) هیت (۴) هلو
۲۰. شهر ایلامی /عیلامی هیدلی، نزدیک کدام شهر امروزی قرار داشت؟
(۱) بهبهان (۲) دزفول (۳) شوشتر (۴) خرم‌آباد
۲۱. به عقیدهٔ والتر هینتس، کدام اختراع اصیل ایلامی /عیلامی در بین‌النهرین ناشناخته ماند، اما در مصر پذیرفته شد؟
(۱) سینکوک (۲) زیگورات (۳) کوکونوم (۴) گریفون
۲۲. نخستین پادشاه ایلام /عیلام نو که از او کتیبه‌هایی در دست است، که بود؟
(۱) شوتروک - نهونت دوم (۲) شوتروک - نهونت یکم (۳) هومین - هلنش یکم (۴) هومین - هلنش دوم
۲۳. بر اساس منابع آشوری در اوایل سدهٔ ۷ ق.م، ایالت «بیت کاری» با کدام ناحیهٔ امروزی قابل تطبیق است؟
(۱) ارومیه (۲) اردبیل (۳) زنجان (۴) همدان
۲۴. ری باستان، در کدام بخش از تقسیمات جغرافیای تاریخی ماد قرار می‌گرفته است؟
(۱) آتروپاتگان (۲) ماد سفلی (۳) پارتاکنا (۴) خوارنا
۲۵. ناحیهٔ یا لولومه از دریاچهٔ ارومیه تا بخش علیای رودخانهٔ دیاله، گسترده بود و در سدهٔ دهم ق.م مورد حملهٔ آشوریان قرار گرفت.
(۱) پارسوا (۲) خاشمار (۳) زاموا (۴) خارخار
۲۶. به عقیدهٔ ایگور دیاکونف، عنوان «مانی‌یا» در دوران ماد، به چه مفهومی اطلاق می‌شد؟
(۱) بردگان (۲) خانه‌ها (۳) قبایل (۴) جنگ‌جویان
۲۷. به عقیدهٔ محمد داندامایف، دلیل ناخرسندی بزرگان ماد از آستیایگ، کدام سیاست او بود؟
(۱) صلح با بابل (۲) جابه‌جایی اقوام (۳) استقرار حکومت مرکزی (۴) بی‌توجهی به سپاه مادی
۲۸. در نامه‌ای که به تیگلات پیلسر سوم، شاه آشوری نوشته شده است، تختگاه پرسوئه / پارسوا چه نام داشت؟
(۱) ایشپکه (۲) نیکور (۳) سیسیرتو (۴) نابوریمانی
۲۹. به عقیدهٔ ایگور دیاکونف، بررسی نام‌های کیمری سدهٔ ۷ ق.م، زبان و تبار آنها را به کدام قوم منسوب می‌کند؟
(۱) ایرانی (۲) سامی (۳) مانایی (۴) قفقازی
۳۰. بر طبق روایت هرودت، تقسیم‌بندی سپاه ماد به نیزه‌داران، کمان‌داران و سواران در زمان کدام پادشاه مادی انجام گرفت؟
(۱) ایشتوویگو (۲) هووخستره (۳) خشترته (۴) دهیوک



۱. گزینه ۲)

موضوع سوال:

این پرسش به یکی از رویدادهای مهم حماسی و اسطوره‌ای در شاهنامه فردوسی، یعنی نبرد ایران و توران در عهد پادشاهی گشتاسب و دلاوری‌های اسفندیار اشاره دارد. پاسخ قطعی این پرسش «رویین دژ» است؛ دژی مستحکم که ارجاسب تورانی (خیونی) پس از یورش به پایتخت ایران، خواهران اسفندیار را به اسارت برده و در آنجا زندانی ساخت.

پاسخ تشریحی:

در روایات حماسی ایران و به طور خاص در شاهنامه فردوسی، نبردهای مذهبی و سیاسی میان گشتاسب (شاه کیانی ایران و حامی آیین زرتشت) و ارجاسب (پادشاه توران/خیونیان) جایگاه ویژه‌ای دارد. بر اساس روایت فردوسی، زمانی که گشتاسب برای ترویج دین به سیستان سفر کرده بود، ارجاسب با بهره‌گیری از غیبت او به شهر بلخ (پایتخت گشتاسب) یورش می‌آورد. تورانیان در این حمله، لهراسب (پدر پیر گشتاسب) را در آتشکده می‌کشند و دو دختر گشتاسب و خواهران اسفندیار، یعنی «همای» و «به‌آفرید» را به اسارت می‌گیرند.

ارجاسب این دو بانو را به توران زمین منتقل کرده و در دژی بسیار مستحکم، نفوذناپذیر و افسانه‌ای به نام «رویین دژ» محبوس می‌سازد. اسفندیار که در آن زمان به دستور پدر در بند بود، پس از رهایی، برای نجات خواهران خویش و گرفتن انتقام خون ایرانیان، راهی توران می‌شود. او در سفری پرخطر و شگفت‌انگیز به نام «هفت‌خوان اسفندیار»، سرانجام به رویین دژ می‌رسد، با پوشش بازرگانان به درون دژ نفوذ کرده، ارجاسب را به هلاکت می‌رساند و خواهرانش را آزاد می‌کند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱) ورمکرد: این مکان در اسطوره‌های ایرانی و متون اوستایی (به‌ویژه وندیداد)، پناهگاهی است که جمشید (پادشاه پیشدادی) به فرمان اهورامزدا در زیر زمین بنا کرد تا نمونه‌هایی از بهترین انسان‌ها، جانوران و گیاهان را از گزند سرمای مهیب و مرگبار دوره‌ای (زمستان ملوسان/ملکوسان) حفظ کند. این مکان ماهیت فرجام‌شناختی و اسطوره‌ای متفاوتی دارد و ارتباطی با نبردهای کیانیان و اسارت خواهران اسفندیار ندارد.

گزینه ۳) سیاوش‌گرد: شهری افسانه‌ای، سرسبز و زیبا است که سیاوش، شاهزاده پاک‌نهاد ایرانی، پس از پناهندگی به توران و ازدواج با فرنگیس (دختر افراسیاب)، در قلمرو تورانیان بنا نهاد. این شهر نماد آبادانی، هنر و صلح‌طلبی سیاوش بود و هیچ پیوندی با ماجرای ارجاسب و اسفندیار در نسل‌های بعدی کیانیان ندارد.

گزینه ۴) کنگ دژ: دژی اسطوره‌ای در مرزهای شرقی است که در متون پهلوی و شاهنامه عموماً به عنوان شهری آرمانی که توسط سیاوش بنا شده، شناخته می‌شود. در روایات فرجام‌شناختی زرتشتی، پشوتن (برادر اسفندیار و جوادان مرد ایرانی) در این دژ مستقر است. اگرچه کنگ دژ نیز دژی متعلق به جغرافیای اسطوره‌ای شرق/توران است، اما مکان زندانی شدن همای و به‌آفرید توسط ارجاسب، منحصرأ «رویین دژ» بوده است و خلط این دو قلعه از خطاهای رایج در درک جغرافیای حماسی است.

نکات تکمیلی:

داستان فتح رویین دژ یکی از مهم‌ترین بخش‌های حماسی شاهنامه است که نمایانگر تضادهای دیرینه میان اقوام یکجانشین ایرانی و اقوام کوچ‌رو تورانی می‌باشد. در دوران متأخر ساسانی، تورانیان اسطوره‌ای با دشمنان واقعی مرزهای شرقی ایران، یعنی «خیونیان» (هپتالیان / هون‌های سفید) تطبیق داده شدند؛ به همین دلیل ارجاسب غالباً با صفت «خیونی» خوانده می‌شود. تطبیق نام‌های جغرافیایی اسطوره‌ای مانند رویین دژ با مکان‌های تاریخی همواره از چالش‌های پژوهشگران جغرافیای تاریخی ایران باستان بوده است. مکتب تاریخ‌نگاری اسطوره‌شناختی بر این باور است که ریشه این داستان‌ها در خاطره قومی ایرانیان از نبردهای شرقی با استپ‌نشینان اوراسیا نهفته است که در گذر زمان با عناصر افسانه‌ای درآمیخته و در متون پایه‌ای همچون «خدای‌نامه» و در نهایت شاهنامه تبلور یافته است.

۲. گزینه ۴)

موضوع سوال:

این پرسش به مبحث فرجام‌شناسی (اسکاتولوژی) در متون زرتشتی و ادبیات پهلوی می‌پردازد و سرنوشت نهایی یکی از مهم‌ترین نمادهای شر در اساطیر ایرانی، یعنی ضحاک (اژی‌دهاک)، را مورد سؤال قرار داده است. پاسخ قطعی این پرسش «گرشاسپ» است؛



پهلوان نامدار اساطیری که در آخرالزمان از خواب گران بیدار شده و ضحاک را که از بند کوه دماوند رها شده است، به هلاکت می‌رساند.

پاسخ تشریحی:

در باورهای فرجام‌شناختی آیین زرتشت که در متون پهلوی نظیر «بندهشن» و «زند وهومن یسن» (بهمن‌یشت) به تفصیل آمده است، رویدادهای هزاره‌های پایانی عمر جهان با دقت ترسیم شده‌اند. بر اساس این روایات، فریدون در نبرد با ضحاک او را نمی‌کشد، بلکه به فرمان اورمزد (یا سروش) او را در کوه دماوند به بند می‌کشد؛ زیرا کشته شدن او در آن مقطع موجب می‌شد تا خرفسترن (جانوران مودی و زیان‌کار) از تن او خارج شده و جهان را فراگیرند. ضحاک در دماوند محبوس می‌ماند تا آنکه در آستانه ظهور سوشیانس (نجات‌بخش نهایی)، بند می‌گسلد و به ویرانگری در جهان می‌پردازد. در این زمان، اورمزد به ایزد سروش و ایزد نریوسنگ فرمان می‌دهد تا روان «گرشاسپ» (کرساسپ)، پهلوان بزرگ و اژدهاکش باستانی را که در دشت پیشانسه به خوابی رازآلود فرو رفته است، بیدار کنند. گرشاسپ بیدار شده، با گرز معروف خویش به نبرد با ضحاک رها شده می‌رود و سرانجام او را نابود می‌سازد تا جهان برای بازسازی نهایی (فرشگرد) و ظهور سوشیانس آماده شود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱) سپیتور: در روایات اساطیری (از جمله در بندهشن)، سپیتور (سپیتورگ) برادر جمشید است که با ضحاک همدست شد و در به دام انداختن و اره کردن پیکر جمشید نقش داشت. او نماد خیانت به نژاد ایرانی است و هیچ نقشی در نابودی ضحاک در پایان جهان ندارد.

گزینه (۲) فریدون: اگرچه فریدون فاتح اصلی نبرد با ضحاک در دوران پیشدادی است، اما همان‌گونه که اشاره شد، او مأمور به کشتن ضحاک نبود، بلکه تنها وی را در سلسله‌کوه‌های دماوند به بند کشید. خلط میان پیروزی فریدون بر ضحاک و مرگ نهایی ضحاک، رایج‌ترین خطای داوطلبان در پاسخگویی به این پرسش است.

گزینه (۳) کاوه: کاوه آهنگر رهبر قیام مردمی علیه ستم ضحاک است که با برافراشتن درفش کاویانی، مردم را به گرد فریدون متحد کرد. نقش او پایان دادن به حکومت ظالمانه ضحاک است، نه کشتن او در آخرالزمان. کاوه چهره‌ای از دوران حماسی است و در روایات فرجام‌شناختی متون پهلوی کارکرد اسکاتولوژیک ندارد.

نکات تکمیلی:

حضور گرشاسپ در آخرالزمان زرتشتی، نشان‌دهنده اهمیت بنیادین مفهوم «پهلوان اژدهاکش» در اساطیر هند و ایرانی است. در مکتب تاریخ‌نگاری اسطوره‌شناختی و دین‌شناسی تطبیقی، اسطوره زندانی شدن نیروهای شر (مانند ضحاک در دماوند، یا لوکی در اساطیر اسکاندیناوی) و رهایی آن‌ها در پایان جهان، یک موتیف (بن‌مایه) جهانی در اسکاتولوژی اقوام هندواروپایی است. در متون پهلوی، پیوند زدن یک پهلوان باستانی (گرشاسپ) با فرآیند رستگاری نهایی، نشان‌دهنده تداوم خطی و هدفمند زمان در کیهان‌شناسی زرتشتی است؛ جایی که قهرمانان گذشته برای تکمیل مأموریت‌های ناتمام خود در آینده بازمی‌گردند.

۳. گزینه (۴)

موضوع سوال:

این پرسش به مبحث ریشه‌شناسی (اتیمولوژی) نام‌های خاص در متون اوستایی و پیوند آن‌ها با کارکردهای تمدنی شخصیت‌های اساطیری ایران می‌پردازد. پاسخ قطعی این پرسش «هوشنگ» است؛ دومین پادشاه سلسله پیشدادی که نام او در زبان‌های باستانی دقیقاً به معنای فراهم‌کننده یا بخشنده خانه‌ها و اقامتگاه‌های نیکو است.

پاسخ تشریحی:

نام «هوشنگ» در اوستا به صورت «هئوشئنه» (Haošyanha) یا «هوشینگه» آمده است. از منظر زبان‌شناسی تاریخی، این واژه از دو جزء تشکیل شده است: پیشوند «هئو» (Hao / Hu) که در زبان‌های هند و ایرانی به معنای «خوب» و «نیک» است (هم‌ریشه با «هو» در هومن یا هومت)، و جزء دوم «شئنه» (šyanha) که از ریشه «شی» (šī) به معنای سکونت گزیدن، اقامت کردن و خانه داشتن مشتق شده است. ترکیب این دو جزء، معنای «کسی که منازل و خانه‌های خوب فراهم می‌سازد» یا «دارنده اقامتگاه‌های نیکو» را به دست می‌دهد.



این ریشه‌شناسی زبانی با کارکرد اسطوره‌ای و تمدنی هوشنگ در روایات ملی ایران کاملاً هم‌خوان است. در شاهنامه و متون پهلوی، هوشنگ نماد گذار انسان از غارنشینی به یکجانشینی است. او کسی است که خانه‌سازی، استخراج آهن، پیشه‌های بنیادین، کشاورزی و همچنین استخراج آتش (جشن سده) را به مردمان می‌آموزد و برای آن‌ها «خانه‌های خوب» و مدنیت اولیه را فراهم می‌سازد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱) تهمورث: نام او در اوستا به صورت «تخمِ اروپ» (Taxma Urupa) ذکر شده است. «تخم» به معنای دلیر و نیرومند (همان تهم در واژه تهمتن) و «اروپه» نام جانوری (احتمالاً روباه یا سگ‌سانان) است. معنای نام او «پهلوان پوشیده از پوست روباه» یا «روباه نیرومند» است و کارکرد او در اساطیر، چیره شدن بر اهریمن (دیوبند) و آموختن خط است، نه فراهم‌سازی خانه‌ها.

گزینه (۲) سیامک: در روایات اساطیری، سیامک فرزند کیومرث است که در نبرد با دیوان کشته می‌شود. ریشه نام او مورد بحث است، اما عموماً از ریشه «سیا» (سیاه) مشتق دانسته شده و به معنای «سیاه‌موی» تعبیر می‌شود.

گزینه (۳) فرواک: فرواک (Fravak) در تبارشناسی اساطیری، فرزند سیامک (یا یکی از حلقه‌های واسط میان کیومرث و هوشنگ) است. نام او در زبان‌های باستانی از پیشوند «فرا» (پیش) و «واک» (سخن/آواز) ساخته شده و به معنای «نخستین سخن‌گو» یا «پیش‌آهنگ در سخن» است و ارتباطی با مفهوم سکونتگاه ندارد.

نکات تکمیلی:

تحلیل ریشه‌شناختی نام‌های پیشدادیان، یکی از ابزارهای کلیدی در مکتب «اسطوره‌شناسی تطبیقی» و «تاریخ‌نگاری زبان‌شناختی» است. نام شخصیت‌هایی چون هوشنگ، صرفاً اسامی تصادفی نیستند؛ بلکه کدهای حافظه جمعی اقوام هندواروپایی محسوب می‌شوند که مراحل تکامل اقتصادی و اجتماعی آن‌ها را در خود ذخیره کرده‌اند. هوشنگ نماینده عصر نوسنگی (Neolithic) و انقلاب کشاورزی در حافظه اساطیری ایرانیان است؛ دورانی که بشر با ابداع معماری بدوی، از کوچ‌روی مطلق و پناهگاه‌های طبیعی به سمت تأسیس «قامتگاه‌های نیکو» (روستاها و سکونتگاه‌های دائم) حرکت کرد.

۴. گزینه (۴)

موضوع سوال:

این پرسش به کیهان‌شناسی و تقویم آیینی در دین زرتشتی و ایران باستان، به ویژه جشن‌های شش‌گانه آفرینش (گاهنبارها) می‌پردازد. مقصود سؤال شناسایی گاهنباری است که به مناسبت آفرینش انسان (مردم) جشن گرفته می‌شده است. پاسخ قطعی این پرسش «همسپدمیدیم» است؛ ششمین و آخرین گاهنبار سال که در روزهای پایانی اسفندماه و در آستانه نوروز برای گرامیداشت آفرینش انسان برگزار می‌شد.

پاسخ تشریحی:

در اساطیر و الهیات زرتشتی (به‌ویژه بر پایه متونی چون بندهشن)، اورمزد (اهورامزدا) جهان مادی را در شش مرحله یا شش هنگام آفرید. به پاس این شش مرحله آفرینش، شش جشن بزرگ در طول سال با نام «گاهنبار» (Gāhānbār) برگزار می‌شد که هر یک نمایانگر تکامل بخشی از خلقت بود. ترتیب این آفرینش‌ها عبارت‌اند از: آسمان، آب، زمین، گیاه، جانور (گوسفند کنایه از حیوانات سودمند) و در نهایت انسان.

«همسپدمیدیم» (Hamaspāthmaedaya) ششمین گاهنبار است که با آخرین روزهای سال (پنج روز پایان سال یا پنجه دزدیده / وهیجک) مصادف بود. در این مرحله، اورمزد برترین و کامل‌ترین آفریده مادی خود، یعنی «انسان» (کیومرث به عنوان نمونه نخستین انسان) را خلق کرد. این گاهنبار با جشن فروردینگان (فرودگ) و نزول فروهرها به زمین نیز هم‌زمان بود و مردمان با برپایی آیین‌های نیایشی، هم خلقت انسان را جشن می‌گرفتند و هم برای استقبال از ارواح درگذشتگان آماده می‌شدند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱) ایاسریم: ایاسریم (Ayāthrima) چهارمین گاهنبار سال است. این جشن در آغاز فصل پاییز برگزار می‌شد و به مناسبت خلق «گیاهان» توسط اهورامزدا بود، نه انسان.

گزینه (۲) مدیوشم: مدیوشم (Maidyōshahem) دومین گاهنبار است که در نیمه تابستان برگزار می‌شد و فلسفه پیدایش آن، بزرگداشت آفرینش «آب» بود.



گزینه (۳) **مدیاریم**: مدیاریم (Maidyārem) پنجمین گاهنبار در تقویم زرتشتی است که در میانه زمستان (دی‌ماه) برگزار می‌شد و به گرامیداشت آفرینش «جانوران» (چهارپایان سودمند یا گاو یکتاآفریده) اختصاص داشت.

نکات تکمیلی:

پژوهش در مفهوم گاهنبارها یکی از کلیدی‌ترین مباحث در تاریخ فرهنگی و تقویم‌نگاری ایران باستان است. از منظر جامعه‌شناسی تاریخی و مردم‌شناسی، گاهنبارها صرفاً ریشه الهیاتی نداشتند، بلکه بازتابی از یک جامعه مبتنی بر اقتصاد کشاورزی و دامداری بودند. پیوند خوردن مراحل آفرینش با فصول مختلف سال (کاشت، داشت، برداشت و استراحت زمستانی) نشان‌دهنده تطابق اسطوره با نیازهای زیستی جامعه است. همسپدیمیدیم به عنوان نماد پایان چرخه سال و آغاز آفرینشی نو (نوروز)، در مکتب پدیدارشناسی دین به عنوان آیین «بازگشت به مبدأ زمان و تجدید کیهان» تفسیر می‌شود؛ جایی که انسان باستان با برگزاری این جشن، خود را در فرآیند نوزایی طبیعت و جهان شریک می‌دانست.

گزینه (۲) .۵

موضوع سوال:

این پرسش به مبحث الهیات زرتشتی و ریشه‌شناسی نام و کارکرد «امشاسپندان» (موجودات روحانی و صفات تجلی‌یافته اهورامزدا) در متون اوستایی اختصاص دارد. کانون پرسش، یافتن امشاسپندی است که نامش معادل «اقتدار معنوی»، پادشاهی یا شهریاری آرمانی باشد. پاسخ قطعی این پرسش «خشته» (خشته وئیریہ / شهریور) است که نمایانگر قدرت الهی و سلطنت مطلوب در اندیشه ایران باستان است.

پاسخ تشریحی:

در گاهان (کهن‌ترین بخش اوستا و سرودهای زرتشت)، صفات برجسته اهورامزدا به صورت مفاهیمی انتزاعی بیان شده‌اند که بعدها در اوستای نو جنبه تشخیص یافته و با عنوان «امشاسپندان» (بی‌مرگان فزاینده/مقدس) شناخته شدند. نام «خشته» (Xšaθra) در زبان اوستایی به معنای «قدرت»، «اقتدار»، «شهریاری» و «حکومت» است (هم‌ریشه با واژه خشایثیه به معنای شاه در فارسی) باستان و واژه شهر در زبان فارسی).

این امشاسپند غالباً با صفت «وئیریہ» (Vairya) همراه می‌شود که به معنای «مطلوب» و «برگزیده» است. از این رو، «خشته وئیریہ» (که در فارسی میانه به «شهریور» تبدیل شد) به معنای «شهریاری مطلوب» یا «اقتدار معنوی» است. در نظام کیهان‌شناختی زرتشتی، خشته وئیریہ نماد قدرت لایزال الهی، برپاکنده پادشاهی آسمانی در زمین، و یاری‌رسان مردمان در غلبه بر دروغ و شر است. همچنین در تقسیم‌بندی مادی جهان، پاسداری از فلزات به این امشاسپند سپرده شده است که خود نمادی از صلابت، جنگاوری و قدرت است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱) **اشه وهیشته**: نام این امشاسپند (در فارسی میانه: اردیبهشت) به معنای «بهترین راستی» یا «برترین هنجار کیهانی» است. «اشه» نظم اخلاقی و کیهانی حاکم بر جهان است و در عالم مادی، پاسداری از عنصر مقدس «آتش» به او واگذار شده است. این مفهوم هیچ‌گاه به اقتدار یا پادشاهی ترجمه نمی‌شود.

گزینه (۳) **سپندارمذ**: نام اوستایی او «سپننه آرمیتی» (در فارسی میانه: اسفند / سپندارمذ) به معنای «اخلاص مقدس»، «بردباری» یا «فداکاری فزاینده» است. این امشاسپند مادینه، مظهر تواضع و مهر درگاه اهورامزداست و در عالم مادی موکل و نگهبان «زمین» است.

گزینه (۴) **وهومنه**: این نام (در فارسی میانه: بهمن) از دو جزء «وهو» (نیک) و «منه» (اندیشه/منش) ساخته شده و به معنای «اندیشه نیک» است. وهومنه نخستین آفریده و مقرب‌ترین امشاسپند است که خرد الهی را متجلی می‌سازد و پاسداری از «جانوران سودمند» بر عهده اوست.

نکات تکمیلی:

درک مفهوم «خشته» برای تحلیل اندیشه سیاسی در ایران پیش از اسلام اهمیتی بنیادین دارد. از منظر تاریخ‌نگاری اندیشه و پدیدارشناسی دین، مفهوم «اقتدار معنوی» در آموزه‌های زرتشت صرفاً یک آرمان انتزاعی اخروی نیست؛ بلکه الگویی است برای برپایی یک جامعه عادلانه در این جهان (فرشگرد). در دوران هخامنشی و ساسانی، پادشاهان ایرانی مشروعیت خود را بازتابی زمینی

درس نامه جامع و تفصیلی: ایلام باستان و اقوام پیرامونی زاگرس (عیلام، کاسی، کوتی، لولوبی، اورارتو و مانای)

بخش اول: تمدن ایلام/عیلام (Elam)

۱. جغرافیای تاریخی، تقسیمات سرزمینی و پایتخت‌ها

- **جغرافیای دوگانه عیلام:** تمدن عیلام هویتی مبتنی بر دو پهنه پیوسته شامل جلگه پست خوزستان (پایتخت سیاسی و مذهبی: شوش / Susa) و ارتفاعات کوهستانی زاگرس و فارس (پایتخت کوهستانی و سنتی: انشان / Anshan) داشت.
- **انشان و تپه ملیان:** مرکز سرزمین‌های کوهستانی عیلام، انشان بود که بر اساس کاوش‌های باستان‌شناسی اریکا رینر و جان آلدن در تپه ملیان فارس شناسایی گردید و محدوده جغرافیایی آن کشف شد. نخستین ذکر نام انشان در متون اکدی و سومری در اواخر هزاره سوم پیش از میلاد دیده می‌شود.
- **شهر استراتژیک هیدلی (Hidali):** شهری کلیدی در دوره عیلام نو و گذرگاه کوهستانی رابط میان شوش و انشان بود که با دشت بهبهان امروزی (منطقه باستانی ارجان و در حاشیه رود مارون) تطبیق داده شده است؛ همان شهری که در سال ۶۹۳ ق.م کودی نهونت در برابر سناخریب به آن پناه برد.
- **ایالت آپییر (Aypir):** منطقه‌ای کوهستانی و باستانی که دقیقاً با شهرستان ایذه کنونی در خوزستان تطبیق دارد.
- **تطبیق ده نو با هوپشن:** بر پایه بررسی‌های باستان‌شناس فرانسوی «استو» روی آجرهای کتیبه‌دار، محوطه باستانی ده نو با شهر کهن عیلامی «هوپشن» (Hupshen) انطباق دارد.
- **آراتا (Aratta):** در حماسه‌های سومری (نظیر انمرکار و فرمانروای آراتا)، شهری ثروتمند در مشرق‌زمین است که با هفت رشته‌کوه از سرزمین عیلام جدا می‌شد.

۲. گاه‌نگاری، دودمان‌های پادشاهی و رویدادهای سیاسی

- **دودمان آوان (Awan):** نخستین سلسله تثبیت‌شده عیلام. در دوره پادشاهی لوه-ایشن، نخستین حکومت سه‌نفره مشارکتی پدید آمد. هیت (HiTa) از این خاندان، نخستین پیمان مکتوب بین‌المللی عیلام را با نرام‌سین اکدی امضا کرد. با مرگ کوتیک-اینشوشینک (حدود ۲۲۲۰ ق.م)، دوران استقلال آوان به سر رسید و خط ترسیمی/مخطط بومی منسوخ شد.
- **سلسله سیمشکی (Simashki):** بنیان‌گذار شاخه نخست آن «تزیت اول» بود. در عهد این دودمان، مرکزیت سیاسی مدتی به انشان و سیمشکی منتقل گردید.
- **دودمان اپرتی (Epartid) یا سوکل‌مخ‌ها:** شاهان شاخص این سلسله نظیر هپیر-ایشن و هوترن-تمپت بودند. نظام اداره عیلام بر ساختار خاندانی سه نفره (سوکل‌مخ/فرمانروای کل، سوکل شوش، و سوکل انشان) استوار بود. اصطلاح «روهو-شک» (Ruhu-shak) در این نظام به معنای «پسر خواهر» بود که اصل تقدم وراثت خواهرزادگی را نشان می‌داد. پادشاهی حمورابی در بابل هم‌زمان با دوره اقتدار سلسله اپرتی/سوکل‌مخ‌ها در عیلام بود. در همین مقطع، انتقال نهایی مرکزیت سیاسی از انشان به شوش قطعیت یافت.
- **دودمان ایک‌هلکی (Ighalkid) در عیلام میانه:** مشهورترین شاه آن «اونتاش-نپیریشا» (اونتاش-گال) بود که زیگورات دور-اونتاش (چغازنبیل) را ساخت. از شاهان دیگر این خاندان می‌توان کیتن-هوترن و هومبان-نومن را نام برد (پادشاهانی مانند پهییر-ایشن جزو این خاندان نبودند). کیتن-هوترن حملات شدیدی به بابل وارد آورد و مجسمه اینشوشینک را بازسازی نمود.
- **دودمان شوتروکی (Shutrukid) و سقوط کاسیان:** دوران اوج فتوحات عیلام میانه. شوتروک-نهونته یکم به بابل حمله کرد و آثاری چون لوح قانون حمورابی و ستون سنگی نرام‌سین را به شوش آورد. فرزندش، کوتیر-نهونته در حدود ۱۱۵۵ ق.م بابل را فتح کرد، آخرین پادشاه کاسی (انلیل-نادین-آخی) را اسیر ساخت و با ربودن تندیس مردوک به شوش، رسماً به پادشاهی ۴۰۰ ساله کاسیان پایان بخشید. شیلهک-اینشوشینک یکم نیز سرزمین‌های بسیاری را به تصرف درآورد.
- **عیلام نو و سقوط شوش:** با روی کار آمدن هومبان-تاهراه، دوره جدید آغاز گردید. نخستین پادشاه عیلام نو که کتیبه‌هایی از خود بر جای گذاشته «شوتروک-نهونته دوم» (قرن ۸ ق.م) بود. شاه دیگری چون شیلهک-اینشوشینک دوم در کتیبه‌ای خود را «توسعه‌دهنده کشور» خوانده است. در نبرد حلوله (۶۹۱ ق.م)، ائتلافی از عیلامیان، پرسومش و انشان با سناخریب آشوری جنگیدند. نقطه پایان حیات سیاسی عیلام با هجوم وحشیانه آشوربانی‌پال در ۶۴۶ ق.م و ویرانی شوش رقم خورد که مفصل‌ترین گزارش آن در سالنامه‌های آشوربانی‌پال آمده است.



۳. مذهب، پانتئون خدایان و آیین‌ها

- **اینشوشینک (Inshushinak):** خدای حامی شوش، «قاضی مردگان» در جهان زیرین، «پدر یتیمان» و داور سوگندها. آشوربانی پال در توصیف غارت شوش او را «خدای اسرارآمیزی که در مکانی ناشناخته می‌زید» خوانده است.
- **هومبان (Humban):** خدای برتر آسمان‌ها، همسر بزرگ ایزدبانو کیریریشا و نگهبان نظم گیتی.
- **کیریریشا (Kiririsha):** الهه بزرگ مادر، دارنده القاب «همسر بزرگ»، «مادر خدایان» و پشتیبان فرمانروایان.
- **ناپیر (Napir):** خدای ماه در عیلام که به مظهر شفقت و «پدر یتیمان» و حامی ضعفا شهرت داشت.
- **ناهونته (Nahhunte):** ایزد خورشید، قاضی آزمون‌های سخت دنیوی، نگهبان عدالت و روشنایی.
- **شیموت / سیموت (Simut):** قاصد و پیام‌آور خدایان. جشن سالانه مخصوص او «گوشون» (Gushun) نام داشت که در آن قربانی‌های آیینی به پیشگاه خدایان تقدیم می‌شد.
- **شری (Shazi / Sheri):** ایزد رودخانه‌ها و قاضی آزمون‌های سخت آب (آزمون قضاوت مینوی با غوطه‌ور شدن در آب).
- **نمادهای مذهبی و زیگورات چغازنبیل:** «سه شاخ بزرگ» بر دیوار معابد عیلامی نماد رسمی «الوهیت» بود. گيرشمن بزرگ‌ترین دروازه دیوار داخلی زیگورات چغازنبیل را «دروازه شاه» نامید و معبد فوقانی واقع بر رأس زیگورات «کوکونوم» (Kukunnum) خوانده می‌شد. لمسوها در باور عیلامی و بین‌النهرینی به عنوان ارواح محافظ معابد شناخته می‌شدند.
- **مفهوم کیتن (Kiten):** کیتن به معنای فره ایزدی، چتر حمایتی سحرآمیز خدایان (به‌ویژه هومبان و اینشوشینک) بر سر شاهان برای تثبیت مشروعیت سیاسی بود.

۴. خط، زبان، هنر و جامعه

- **زبان و واژگان دیوانی:** بر پایه نظریات زبان‌شناسانی چون رنه لابات و کمرون، زبان پیوندی عیلامی اگرچه مشابهت‌هایی ساختاری با زبان‌های دراویدی هند دارد، اما در دستهبندی زبان‌شناسی جزو خانواده زبان‌های قفقازی تلقی می‌شود. در نظام اداری عیلام، واژه «هل-منیک» (Hal-menik) به معنای «فرماندار / ضابط سرزمین» بود. اصطلاح «هولی» (Huli) در معماری عیلامی به معنای «حریم مقدس» است.
- **سیر خطوط عیلامی:** عیلامی آغازین (تصویری/پروتو عیلامی) در اواخر هزاره چهارم ق.م؛ خط عیلامی خطی/ترسیمی (مخطوط) که با مرگ کوتیک-اینشوشینک در ۲۲۲۰ ق.م منسوخ شد؛ و خط میخی عیلامی که از عهد آوان تا دوره هخامنشی با ویژگی‌های بومی به کار رفت.
- **هنر و ابداعات اصیل:** به نظر والتر هینتس، ساخت تندیس‌های ترکیبی «گریفون» (Gryphon / شیردال با بدن شیر و سر و بال‌های شاهین) اختراع اصیل عیلامی بود که در بین‌النهرین پذیرفته نشد اما از مسیرهای تجاری به مصر باستان راه یافت و بعدها به نشان شاهنشاهی هخامنشی بدل شد.
- **باورهای پس از مرگ:** عیلامیان معتقد بودند که روان مردگان پس از مرگ افزون بر غذا، نیاز مبرم به «آب» دارد؛ لذا در قبور ادوات تدفینی و لوله‌های ویژه آبرسانی قرار می‌دادند.
- **قضاوت تمدن‌های همجوار:** به نظر والتر هینتس، سومری‌ها مردم عیلام را دارای روحیه‌ای «سرخ» و استوار در برابر سختی‌ها می‌دانستند. در مقابل، شاهان اکدی در حملات خود همواره در پی غارت معادن نقره، سنگ، چوب و احشام استراتژیک از زاگرس بودند.

بخش دوم: قوم کاسی (Kassites)

۱. خاستگاه جغرافیایی و ویژگی‌های فرهنگی

- قوم باستانی کاسی (کاشو در زبان بومی) در هزاره دوم و اول ق.م در زاگرس مرکزی و لرستان کنونی می‌زیستند و به زبانی منفرد سخن می‌گفتند که ریشه هندواروپایی نداشت اما عناصری هند و آریایی در طبقه حاکم و اسامی خدایان آنان وجود داشت.
- کاسی‌ها مبتکران بزرگ پرورش اسب و استفاده از «ارابه‌های جنگی سبک» در خاورمیانه بودند و پس از مهاجرت به بابل، این فناوری نظامی را در جلگه بین‌النهرین فراگیر ساختند. هنر فلزکاری و مفرغ‌های شگفت‌انگیز لرستان ریشه در سنت‌های مفرغ‌کاری کاسیان و لولوبیان دارد.



۲. پادشاهی کاسی در بابل (سلسله سوم بابل)

- پس از تهاجم هیتی‌ها به بابل و انقراض سلسله حمورابی (۱۵۹۵ ق.م)، کاسیان از کوهستان‌های زاگرس سرزیر شده و در سال ۱۷۴۰ یا ۱۵۹۵ ق.م سلسله سوم بابل را پایه‌گذاری کردند و بیش از ۴۰۰ سال (تا سال ۱۱۵۵ ق.م) بر بابل حکومت کردند. این دوره طولانی با پایداری مرزها، ثبت اسناد اراضی بر سنگ‌های مرزی موسوم به «کودورو» (Kudurru) و تلفیق فرهنگی بومی-بابلی همراه بود.
- پادشاهی کاسی بابل سرانجام در اثر حملات ویرانگر کوتیر-نیهونته از سلسله شوتروکی عیلام منقرض گردید و بابل ضمیمه امپراتوری عیلام شد.

۳. خدایان کاسی

- شوکامونا (Shukamuna) و شومالیا (Shumalia): ایزد حامی شاهان و الهه قله‌های رفیع کوهستان در مذهب کاسی.
- شور یاش (Suryash) / ساخ: ایزد خورشید (همتای خدای هندوایرانی سوریا).
- هاربه (Harbe): ایزد بزرگ آسمان، پروردگار شاهی و حامی حاکمیت.
- کاشو (Kashu): ایزد ملی و نیای قبیله‌ای قوم کاسی.
- ماروتاش (Maruttash): ایزد جنگ و تندباد (همتای ماروت‌ها در وداها).

بخش سوم: قوم گوتی (Gutians)

۱. ورود به تاریخ و ماهیت سیاسی

- گوتی‌ها (گوتی‌ها) از اقوام چادرنشین و ناآرام دامنه‌های زاگرس میانی و شرقی بودند. نخستین حضور مکتوب آنان در متون تاریخی به پایان سده ۲۳ ق.م و کتیبه‌های «ترام‌سین» پادشاه مقتدر اکدی بازمی‌گردد.
- تهاجمات مکرر گوتی‌ها پس از مرگ ترام‌سین سرانجام به فروپاشی امپراتوری اکد انجامید و دوره‌ای از فترت و سلطه گوتی‌ها بر بین‌النهرین را رقم زد.

۲. دیدگاه ادبیات بین‌النهرینی به گوتی‌ها

- در متن مشهور ادبی «نفرین اکد» و در کتیبه «اوتوخگل» پادشاه اوروک، از قوم گوتی با تعبیر تحقیرآمیز «مار گزنده کوهستان»، «عاری از خرد انسانی اما با غرایز حیوانی» و «نابودکنندگان تمدن» یاد شده است.
- اوتوخگل در پایان هزاره سوم ق.م با شکست «تیریگان» آخرین شاه گوتی، به سلطه آنان بر سومر و بابل پایان داد.

بخش چهارم: قوم لولوبی (Lullubi)

۱. موقعیت جغرافیایی و اسناد مکتوب

- لولوبی‌ها از بومیان هزاره سوم تا اول ق.م در زاگرس شمالی، دشت سرپل ذهاب و سلیمانیه بودند. نخستین بار نام آنان در کتیبه‌های «ترام‌سین» پادشاه اکد در شرح پیروزی بر قبایل کوهستان زاگرس ثبت شد.
- نقش‌برجسته و کتیبه آنوبانی‌نی: پادشاه پرآوازه لولوبی در سرپل ذهاب که نقشی برجسته همراه با کتیبه‌ای به زبان «اکدی» و با الفبای میخی از خود بر جای گذاشت. این سنگ‌نگاره کهن الگوی ساخت نقوش صخره‌ای پیروزی در هزاره‌های بعد، از جمله سنگ‌نبشته بیستون داریوش هخامنشی گردید.

۲. سرزمین لولومه / زاموا در منابع آشوری

- در سالنامه‌های آشوری هزاره نخست ق.م، نام سرزمین کهن لولوبی‌ها با عنوان «زاموا» (Zamua) یا «لولومه» (Lullume) ثبت شده است. این منطقه بسیار پهناور از کرانه‌های جنوبی دریاچه ارومیه تا حوضه علیای رودخانه دیاله (شهرزور) امتداد داشت و از سده دهم ق.م آماج حملات امپراتوران آشور (نظیر آشور ناصیر پال دوم) برای تسخیر پایگاه‌های کوهستانی و دستبرد به رمه‌های اسب بود.



بخش پنجم: پادشاهی اورارتو (Urartu)

۱. جغرافیای اورارتو و خاستگاه

- پادشاهی قدرتمند اورارتو در سده‌های ۹ تا ۶ ق.م در حوضه دریاچه‌های وان، ارومیه و سوان (قفقاز جنوبی و شرق آناتولی) مستقر بود. ساکنان بومی، سرزمین خود را «بی‌آی‌نیلی» (Biainili) می‌نامیدند، در حالی که آشوریان در هزاره اول پیش از میلاد به آن «اورارتو» یا پیش‌تر «نائیری» (Nairi) می‌گفتند. کتاب مقدس (تورات/ارمیا) از آن با عنوان «پادشاهی آراتات» یاد کرده است.
- پایتخت کهن و مستحکم اورارتو «توشپه» (Tushpa) بود که در کنار دریاچه و صخره‌های مرتفع «شهر وان» امروزی قرار داشت.

۲. خدایان مذهب اورارتویی

- پانتئون تثلیثی اورارتو شامل سه خدای اصلی بود:
 ۱. خالدی / هالدی (Haldi): خدای برتر ملی، پروردگار جنگاوری و حافظ تاج و تخت پادشاهان اورارتو.
 ۲. تیشبا / تشوب (Teisheba): ایزد تندر، باد و باران و نیروهای قاهر طبیعت.
 ۳. شیوینی (Shivini): ایزد خورشید و مظهر روشنایی روز.
- (خدایانی نظیر «خاربه/هاربه» مطلقاً جزو پانتئون اورارتو نبوده و به قوم کاسی تعلق دارند).

۳. هنر و روابط بین‌المللی اورارتو

- اورارتویی‌ها در فن معماری سنگ‌چین، دژسازی بر فراز بلندی‌ها، کانال‌کشی آب در کوهستان و ساخت ظروف و مجسمه‌های مفرغی/برنزی مهارتی خارق‌العاده داشتند. برنزه‌های ساخت فلزکاران اورارتویی چنان مرغوب و مشهور بود که کالاهای تجاری آنان حتی به سواحل مدیترانه و شبه‌جزیره ایتالیا صادر می‌گردید.
- شاهان اورارتو (مانند منوا، آرگیشتی و روسا) در سده‌های ۸ و ۷ ق.م بارها با اتحادیه‌های مانایی و شاهان آشور جنگیدند. آنان گاه با قلمرو «میتا» (میداس، پادشاه مشهور فریگیه در آناتولی مرکزی) بر ضد سپاهیان امپراتوری آشور متحد می‌شدند، اما شکست خوردند.

بخش ششم: مانایی‌ها و دیگر اقوام و ولایات باستانی زاگرس

۱. پادشاهی مانا (Mannaeans)

- مانایی‌ها در سده‌های ۹ تا ۶ ق.م در جنوب و شرق دریاچه ارومیه (محدوده آذربایجان غربی و کردستان، از مهاباد و بوکان تا سقز) دولتی مقتدر برپا کردند. خاستگاه گنجینه زرین و عاجی زیویه در نزدیکی «سقز» به هنر تلفیقی این قوم و مناسباتشان با سکاها تعلق دارد.
- ساختار سیاسی پادشاهی مانا شامل ایالات و واحدهای سرزمینی مجزا بود که در اصطلاح زبان اکدی به این تقسیمات سرزمینی «نگی‌و» (Nagiu) اطلاق می‌شد.

۲. ولایات استراتژیک زاگرس در متون آشوری

- **نمری (Namri):** ولایتی بسیار مهم در زاگرس میانی که نواحی دره دیاله تا جلگه حاصلخیز شهرزور را در بر می‌گرفت و تا اوایل هزاره اول ق.م پناهگاه و سکونتگاه بازماندگان اقوام کاسی، گوتی و لولوبی بود.
- **الیپی (Ellipi):** سرزمین و پادشاهی نیمه‌مستقلی در جنوب زاگرس (نواحی پیش‌کوه و استان لرستان امروزی) که نقشی حائل و میانجی در روابط دیپلماتیک و توازن قدرت میان عیلام، بابل، ماد و آشور ایفا می‌کرد.
- **بیت‌کاری (Bit-Kari):** ایالتی مادی در زاگرس مرکزی که در متون اسرحدون با ناحیه «همدان کنونی» انطباق دارد و از کانون‌های شورش خشریته علیه آشور بود.
- **خارخار (Khar-khar):** از مراکز کلیدی زاگرس مرکزی (حوالی ماهیدشت کرمانشاه) که سارگن دوم آشوری آن را فتح و به پایگاه نظامی با نام «کار-شاروکین» بدل ساخت.

جدول مقایسه‌ای و جمع‌بندی استراتژیک (Quick Reference)

تمدن / قوم	پایتخت / کانون جغرافیایی	خدایان کلیدی	مهم‌ترین حاکمان	پدیده‌های متمایز و دستاوردهای تاریخی
عیلام	شوش (جلگه)، انشان/ملیان (کوهستان)، هیدلی/بهبهان	اینشوشینک (عدالت)، هومبان (آسمان)، کیریریشا (مادر)، ناپیر (ماه)، شیموت (قاصد)	کوتیک-اینشوشینک، اونتاش-نپیریشا، شوتروک-نهونته، کوتیر- نهونته	خط ترسیمی بومی، زیگورات چغازنبیل، گریفون، انقراض کاسیان بابل، سقوط در ۶۴۶ ق.م به دست آشوریانی پال
کاسی	زاگرس مرکزی (لرستان) و بابل	شوگامونا و شومالیا (کوهستان)، شوریاش (خورشید)، هاربه (آسمان)	گاندش، بورنابوریشا، انلیل-نادین-آخی	پرورش اسب و ارابه سبک، پایه‌گذاری سلسله سوم بابل (۴۰۰ سال)، ایجاد سنگ‌های مرزی کودورو
گوتی	زاگرس میانی و شرقی	خدایان نامشخص قبیله‌ای	اریدوبیزیر، تیریگان	سرنگونی سلسله اکد پس از نرام‌سین، ملقب به «مار گزنده کوهستان» در کتیبه اوتوخگل سومری
لولوبی	زاگرس شمالی، سرپل ذهاب و شهرزور	ایشثار (اینانا)، ادد/نیرگال	آنوبانی‌نی، ساتیری	کتیبه صخره‌ای اکدی آنوبانی‌نی، ارتباط تاریخی با ولایت زاموا/لولومه در سالنامه‌های آشوری
اورارتو	توشپه (صخره و شهر وان)	تثلیث: هالیدی (جنگ)، تیشبا (تندر)، شیوینی (خورشید)	منوا، آرگیشتی، روسا	معماری صخره‌ای، هنر پیشرفته مفرغ‌کاری با نفوذ تا ایتالیا، نام بومی بی‌آی‌نیلی و آراتات تورات
مانای	جنوب دریاچه ارومیه (سقز/بوکان)	خدایان محلی با نفوذ هوری و آشوری	ایرانزو، اولوسونو	گنجینه طلایی زیویه سقز، تقسیمات اداری با عنوان اکدی نگی، اتحاد منطقه‌ای با سکاها